



<http://www.arianafghanistan.com>



۱۴ جنوری ۲۰۲۰

خلیل الله معروفی

نظم و شعر - ناظم و شاعر



به پاس احترام بیکران و اعتقاد کامل به جناب "عارف جان عباسی" و قائل شدن به اهلیت و شخصیت ایشان، و بنا بر فرمایش ایشان در دریچه امروز ۱۴ جنوری ۲۰۲۰ "آریانا افغانستان آنلاین" تصمیم گرفتم، تا سخن پارینه هفت سال پیشم را ازین طریق خدمت جنابشان و دیگر علاقه مندان "شعر و ادب"، تقدیم کنم.

ظاهراً نظر به دهن کجی های "خدائی خدمتگاران" مُحجَّب و چادری پوش پورتال "افغان جرمن آنلاین"، که زیر نامهای مستعار از "معروفی" در مورد "نظم و شعر"، استفسار کرده بودند، لنک یکی از مقالات قدیم را زیر عنوان "نظم و شعر - ناظم و شاعر" از آرشیف در پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" کاپی کرده و دریچه نظریات "آریانا افغانستان آنلاین" گذاشته بودم، تا خواننده خواهند با باز کردن آن حلّ مطلب فرماید. مگر واقعیت امر اینست، که خودم هم میخواستم آن مقاله از طریق صفحات "آریانا افغانستان آنلاین" در دسترس طیف وسیع خوانندگان "زبان دری" برسد؛ چه افغان و چه ایرانی.

اما قسمی، که بعداً متوجه گشتم، آن لنک مستقیماً باز نمیشود، مگر این، که آن را کاپی کرده و در رخنه گیرنده کمپیوتر بیندازند و بعد اینتر بزنند. جهت سهولت کار خواننده گرامی و علاقه مند، اینک لنک همان مقاله را درینجا می اندازم و امیدوارم، که حلال مشکل گردد:

<http://www.afgazad.com/Adaby-۱۳/۰۱۳۱۱۳-KM-Shear-Nazm-Shaaer-Naazem.pdf>

قسمی، که در متن مقاله آمده است، گفته ام، که استاد ملک الشعراء "محمد تقی بهار" قطعه ای سرود و تعریفی از "نظم" و "شعر" بداد. از نگاه من این "تعریف" استاد "بهار"، چند نسل اهل "شعر و ادب" را - چه در ایران و چه در افغانستان - گمراه ساخته، به بیراهه کشاند و زمینه تفریق و تفکیک درست "نظم و شعر" را مغشوش ساخت.

- بنا بر فرموده "استاد بهار" اجازه نداریم، استادان مشهوری از قبیل "غنصری بلخی و فرخی سیستانی و منوچهری دامغانی و ..."، را، که از ایشان به غیر از قصیده و دیگر انواع "نظم"، چیزی دگر به جای نمانده است، "شاعر" بنامیم!!! و عجیب است، که "استاد بهار" همین "قصیده سرایان" مشهور را به حیث "شاعران بزرگ" زبان دری/فارسی قلمداد میکند.

- حضرت "خواجه شمس الدین محمد، حافظ شیرازی" به غیر از "غزل"، چیزی نسود، ازین رو نظر به تعریف "استاد بهار" از "نظم و شعر"، هرگز نباید او را "شاعر" بنامیم!!! اما "حافظ" یکی از شعرای زبردست زبان دری ست و خود "استاد بهار" هم او را ضمن آثار متعدد خود به حیث یکی از بزرگترین شاعران زبان دری/فارسی می شمارد. اگر "استاد بهار" به تعریف خود وفادار میماند، هرگز اجازه نداشت، تا "حافظ" را، که جز "غزل" چیز دیگری انشاد نکرده است، به حیث "شاعر" علم نماید!!!

خواننده گرامی از خلال این مقاله، نظر "معروفی" را در مورد "شعر و نظم" و "شاعر و ناظم" درخواهد یافت.

یادآوری:

قابل تذکر جدی میدانم، که کلمه "سِدْرَةُ الْمُنْتَهَا"، که یک کلمه قرآنیست، درین مقاله اشتبهاً در هیئت "صدرَةُ الْمُنْتَهَا" نوشته شده است. از خوانندگان بیحد ارجمند تمنا دارم، که بدین مناسبت اعتذارم را پذیرفته و بر اشتباهم چشم پوشند!!!

"سِدْرَةُ الْمُنْتَهَا" نظر به آیات قرآن، درختی در "آسمان هفتم" است، و همان است، که بالاترین نقطه آسمان است. درینجا شرحی را از نگاه صرف عربی تقدیم میکنم، شاید به درد عزیزانی بخورد، که مایل به "ریشه یابی" لغات هستند:

"سِدر" (به کسر اول) در عربی درختی بسیار تنومند و شبیه "صنوبر" را نامند. کلمه "سِدره" (به سین مکسور) از نگاه صرف عربی "اسم مَرّه" از کلمه "سِدر" است. "اسم مَرّه" یک مقوله صرفیست، که "واحد اسم" و یا "واحد فعل" را تمثیل میکند. پس:

- "سدره" واحد لغت "سدر" و در معنای "یک درخت سدر" است؛ همان قسمی، که:
- "لیلَه" در معنای "یک لیل"؛ یعنی "یک شب" است
- و "نجمه" واحد "نجم" و در معنای "یک ستاره" است
- و "نخله" در معنای "یک نخل" و یا "یک درخت خرما" است
- و "نحله" در معنای "یک نحل"؛ یعنی "یک دانه زنبور" است
- و "نمله" در معنای "یک نمل"؛ یعنی "یک دانه مورچه" میباشد
- و "جَمْرَه"، واحد "جَمَر" است و در معنای "یک دانه سنگچل"
- "شجره" واحد لغت "شجر" است و به معنای "یک درخت"
- "وَرَقَه" واحد "وَرَق" است و در معنای "یک برگ". کلمه عربی "وَرَق" اصلاً در معنای "برگ درخت" است.
- و "طَفْرَه" (به فتح اول) در معنای "یک بار جستن" و یا "یک بار خیز زدن" است. چون "طفر" (به فتح اول) در زبان عربی به معنای "خیز زدن" و یا "جستن" است. کلمه "طفره" را در افغانستان معمولاً به ضم حرف اول تلفظ میکنند، که غلط است.
- و "طعنه" اصلاً و لغتاً به معنای "یک بار نیزه زدن" و یا "یک بار کسی را با نیزه زدن" است. کلمه "طعن" اصلاً در معنای "نیزه زدن" و یا "با نیزه زدن" است.
- و "نعره" اصلاً و دقیقاً در معنای "یک بار فریاد کشیدن" است، چون اصل ثلاثی لغت، "نعر" است، که به معنای "فریاد زدن" و یا "فریاد کشیدن" میباشد.

(همبورگ - ۱۴ جنوری ۲۰۲۰)



نظم و شعر - ناظم و شاعر

Maroofi_k_nazm_o_shear_naazem_o_shaaer.pdf